

Analyzing the Cultural and Literary Role of Hassan Khan Shamloo based on Newly-found Resources (Introduction, Critique, and Typology)

Mojtaba Mohammadi

PhD student of Persian Language and Literature, Najaf abad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, mmohamadiarshad@gmail.com

Mahdi Noureian*

Professor of Persian Language and Literature, Najaf abad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, mehnoureian@gmail.com

Mehrdad Chatraei

Assistant professor of Persian Language and literature, Najaf abad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, m_chatraei@yahoo.com

Abstract

Hassan Khan Shamloo is the 17th century poet, author, calligrapher, and the commanders of Khorasan and Herat governor. His family was in the Safavid courtier in military and civil positions. He was culturally inherited his father, Hossein Khan, who was granted the legacy of Farhad Khan Gharamanlou, the art lover commander. Hassan Khan always held some meetings for the scholars, poets and artists. His cultural efforts and the traces left by his order demonstrate the glory and greatness of Hassan Khan's cultural and literary status. He wrote poetry under the pen name of Hassan; according to Nasrabadi, its Diwan consists of over three thousands verses. Of well-known eloquent followers of Hassan Khan include Behnazem Heravi, Fasihi Heravi, Mirza Malek Sharghi, and Ooji Nazari, etc. They frequently extolled Hassan Khan and displayed its skill and literacy through poetry. There are no detailed researches, excluding Golchin Maani's study (Future Journal, XVI, 1990), on the literary and cultural status of Hassan Khan and old and recently-found references. The current literature is a common, ordinary copies of Hassan Khan's life from historical view. The author is revising the Diwan of Hassan Khan Shamloo in addition to trying to identify and introduce the status of Hassan Khan through studying and criticizing Tazkirat (biographies) as well as analyzing old and new resources.

Keywords: Analysis, Literary and Cultural Status, Hassan Khan Shamloo, Critique of Biographies, Old Resources, Newly-found Resources, Typology

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۶۷-۱۵۳

تحلیل جایگاه فرهنگی - ادبی حسن خان شاملو بر پایه منابع نویافته (معرفی، نقد، بررسی، نسخه‌شناسی)

مجتبی محمدی* - مهدی نوریان** - مهرداد چترایی***

چکیده

حسن خان شاملو، شاعر، نویسنده، خطاط، بیگلربیگی، امیرالامرای همه خراسان، حاکم هرات، در قرن دهم و یازدهم هجری (۱۷م) است. خاندانش در دولت صفویه از نزدیکان دربار بودند. او میراث‌دار فرهنگی پدرش حسین خان و او نیز میراث‌بر فرهادخان قرامانلو بود. اقدامات مختلف وی، نشان‌دهنده جایگاه والای فرهنگی و ادبی حسن خان است. مجالس حسن خان انجمنی برای شاعران و هنرمندان بود. از سخنوران بنام دستگاه حسن خان به ناظم هروی و فصیحی هروی و... می‌توان اشاره کرد. آنان در اشعارشان بارها حسن خان را ستوده‌اند و هنرمندی و فرهیختگی او را به تصویر کشیده‌اند. در شعر، حسن تخلص می‌کرد و به گفته نصرآبادی دیوانش بیش از سه هزار بیت داشت. درباره حسن خان جز مقاله کوتاه احمد گلچین معانی، پژوهش مستقل و گسترده دیگری انجام نشده است و آنچه موجود است تکرار مطالب کلی و مبهم از سرگذشت حسن خان است که بیشتر جنبه تاریخی دارد. نگارنده به تصحیح دیوان حسن خان شاملو همت گمارده است. جایگاه حسن خان تا امروز آنچنان که باید شناسانده نشده است؛ به همین سبب نویسنده این جستار می‌کوشد تا با بررسی و نقد منابع قدیم و جدید، جایگاه او را بیش از گذشته معرفی و تبیین کند.

واژه‌های کلیدی

تحلیل؛ جایگاه فرهنگی - ادبی؛ حسن خان شاملو؛ منابع قدیم؛ منابع نویافته؛ نسخه‌شناسی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران mmohamadiarshad@gmail.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسؤول) mehnoureian@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، m_chatraei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۹/۰۵

۱- مقدمه

حسن خان شاملو در هرات و شاید در نیمه دوم سده دهم هجری چشم به جهان گشود. از ابتدای زندگی او اطلاعی در دست نیست. در سال ۱۰۲۷ قمری پس از پدرش، حسین خان شاملو، بیگلربیگی و امیرالامرای خراسان و حاکم هرات شد. اعتمادالسلطنه به اشتباه چنین آورده است که «در سنه ۱۰۰۶ هـ [شاه عباس ایالت ولایت هرات را به حسن خان شاملو داد] (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۸۹۳). حسن خان تا پایان عهد شاه عباس اول (۱۰۳۸ ق) و سپس تا بخشی از عهد شاه صفی تا سال ۱۰۵۰ قمری بر این سمت بود تا بدرود حیات گفت. درباره تاریخ وفات حسن خان سخنان مختلفی بیان شده است. برخی تذکره‌ها و منابع، تاریخ وفات حسن خان را غیر از ۱۰۵۰ قمری دانسته‌اند؛ هم‌چنین دوران حکومت و حیات او را تا زمان شاه سلیمان در نظر گرفته‌اند؛ *آتشکده، نتایج‌الافکار، احوال و آثار خوش‌نویسان بیانی، ریاض‌العارفین، کارنامه بزرگان، تذکره‌الخطاطین* و... از جمله این منابع است (ر.ک: گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۰۴). با در نظر گرفتن سال آغاز حکومت حسن خان (۱۰۲۷ ق) و سال وفات او (۱۰۵۰ ق)، وی ۲۳ سال حکومت کرده است که احمد گلچین معانی به اشتباه ۲۴ سال یاد می‌کند (همان: ۴۰۱).

حسن خان افزون بر حکومت، خوش‌نویس توانا و سخنوری چیره‌دست بود. همواره مربی و پشتیبان شاعران و خطاطان و هنرمندان بود و آنها را بزرگ می‌داشت. درباره شخصیت والای حسن خان در *ذیل عالم‌آرای عباسی* چنین آمده است: «حسن خان عبدلوی شاملو... مشارالیه در اول جلوس همایون در عوض حسین خان والد خود بیگلربیگی دارالسلطنه هرات و امیرالامرای خراسان بود و در میان امرای عالی‌شان افسر امتیاز قابلیت و استعداد بر سر داشت و در قلمرو خط و اقلیم سخنوری رایت امتیاز و برتری می‌افراشت و ارباب استعداد به امید تربیت و عنایت خدمتش از اقطار دیار و بلاد روی عزیمت به دارالسلطنه هرات می‌نهادند... و از این گروه دانش‌پژوه شعرای بلاغت‌شعار بیشتر از دیگران زله‌خوار خوان احسان وی بودند... مؤید این مقال آنکه میرزا فصیحی هروی که به امداد بخت بلند... از راه رعایت و ملازمت وی به این پایه ارجمند رسید» (اسکندربیک، ۱۳۱۷: ۲۸۷).

در بیشتر متون تاریخی و تراجم احوال و تذکره‌های مربوط به دوره این شخصیت بزرگ و بعد از آن، نام حسن خان دیده می‌شود؛ زیرا او هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه فرهنگی فعالیت داشت و از خود نامی برجای گذاشت؛ اما بی‌تردید حسن خان، بیشتر در جایگاه یک حاکم و یک خوش‌نویس توانا شناخته شده است و به جایگاه ادبی و شعر او کمتر توجه می‌شود. در تذکره‌ها به آوردن چند غزل و رباعی از او بسنده شده است و این عوامل باعث ناشناخته‌ماندن جایگاه ادبی اوست. تاکنون برای گردآوری اشعار حسن خان و تصحیح *دیوان* او تلاشی نشده است. بسیاری از اشعار حسن خان به‌ویژه رباعی‌های او در مجموعه‌ها و نسخه‌ها و تذکره‌های مختلف به‌طور پراکنده موجود است و شایسته است برای حفظ این میراث ارزشمند، این اشعار جمع‌آوری و تصحیح و چاپ شود.

نگارنده در هنگام تصحیح *دیوان حسن خان شاملو* و تحلیل منابع قدیم و نویافته به مطالبی دست یافت؛ تبیین این نکات همراه با معرفی و بررسی نسخه‌های موجود و اشعار حسن خان به شناخت بهتر و شایسته‌تر این شاعر کمک می‌کند. هرچند بدون نقص و کاستی نیست؛ امید است که با این پژوهش جایگاه ادبی و فرهنگی حسن خان بیشتر شناخته شود و راهی تازه برای پژوهش‌های علاقه‌مندان و پژوهشگران آشکار کند.

۱-۱ پیشینه تحقیق

همان‌طور که پیشتر بیان شد، جز مقاله کوتاه احمد گلچین معانی تا امروز درباره حسن خان شاملو و آثار او تحقیق کامل و جامعی انجام نشده است. تحقیقات ارائه شده نیز به صورت پراکنده و ناقص است. نگارنده می‌کوشد آن‌گونه که شایسته این شاعر فرهیخته و هنرمند است، آثار او تحلیل و بررسی شود.

۲-۱ روش تحقیق

این تحقیق با شیوه مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده است. نگارنده ابتدا منابع کتابخانه‌ای اصلی و فرعی مربوط به تحقیق را شناسایی و گردآوری کرد؛ سپس با مطالعه و بررسی و تجزیه و تحلیل، آن را به صورت مقاله ارائه داد.

۳-۱ اهداف تحقیق

شناخت و معرفی شخصیتی کامل، معرفی اشعار تازه از شاعری گمنام، آشنایی با سبکی تازه و راه‌گشا برای حل مشکلات ادبی، فراهم کردن فضای پژوهشی برای علاقه‌مندان و دانشجویان درباره تاریخ و فرهنگ و ادب از مهم‌ترین اهداف این مقاله است.

۲- بحث و بررسی

۱-۲ اسم‌ها، نسب، لقب‌ها

نام حسن خان شاملو به گونه‌های مختلفی در متون بیان شده است؛ حسن خان، حسن شاملو، حسن خان عبدلوی شاملو، حسن خان بیگدلی شاملو، حسن بیگ شاملو، حسن خان شاملو هروی، حسن هروی شاملو از آن جمله است. در تذکره مخزن‌الغرائب و روز روشن، به اشتباه حسن خان با نام میرزا حسابی نیشابوری (سن‌دیلوی، ۱۹۶۸م: ۷۸۱) و حسابی (صبا، ۱۳۴۳: ۱۹۹) معرفی شده است.

درباره نسب حسن خان (بیگدلی و شاملو) باید گفت، بیگدلی طایفه‌ای از ترک‌های غز است که در قرن چهاردهم میلادی به سوریه رسیدند. یک شاخه از این قوم یا شاملوهای قزلباش (= سرخ سر) به ایران آمدند و در دوره صفویه بیشتر سرکردگان ارتشی و اداری از بین آنها برگزیده می‌شدند (ر.ک: بیگدلی، ۱۳۶۷: ۲۹۷).

حسن خان را با القابی دیگر مانند بیگلربیگی نیز یاد می‌کنند. در کتیبه‌های ارخون (ارغون) کلمه ترکیبی بیگلر در معنای خان‌ها و بزرگان (بیگ: خان، بزرگ و لر: علامت جمع ترکی) برای طبقه اشراف و اعیان به کار می‌رفت؛ در مقابل آن، کلمه بودون یا توده‌های مردم قرار داشت. معنی لفظی بیگلربیگی، خان خان‌ها یا بزرگ بزرگان است؛ البته این واژه در آن روزگار برای امیرالامرا استفاده می‌شد. امیرالامرا لقب دیگر حسن خان است که در معنای فرمانده کل سپاه (ر.ک: همان) به کار می‌رود.

دو تن از مداحان حسن خان، ناظم هروی و درکی قمی، از حسن خان با لقب خان یاد کرده‌اند:

قطعه خان که بود قطعه‌ای از گلشن خلد فصل هنر خامه خورشیدنگارست

(هروی، ۱۳۷۴: ۵۷۰)

ای خان کامکار که از نور مدح تو کلکم چراغ انجمن روزگار شد

(همان: ۳۸۱)

درکی قمی می‌گوید:

امروز بهشتی که شنیدی صفتش را بیرون هرات است و همان مجلس خان است
(گلچین معانی، ۱۳۶۷: ۱۷۱)

در کتاب *امتحان‌الفضلا* یا *تذکره‌الخطاطین* آمده است که «حسن شاملو و حسن کرمانی در اصطلاح خطاطان (حسین) باشند» (سنگلاخ، ۱۳۸۸: ذیل حسن خان شاملو). در جای دیگر به حسن خان لقب فخرالامراء داده است (همان). ناظم هروی نیز از حسن خان با لقب خان خوانین و امیر خوانین یاد می‌کند:

شعله خورشیدبخت، خان خوانین حسن کز گهرش تاج صبح گشته سعادت‌نگار
(هروی، ۱۳۷۴: ۵۱۴)
امیر خوانین، خدیو زمن پناه ظفرخان بن خان حسن
(همان: ۵۵۲)

۲-۲ پدر حسن خان

در مقاله «دیوان فصیحی» به اشتباه حسین خان و حسن خان برادر دانسته شده‌اند (ذاکرا الحسینی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). میرزا سنگلاخ در *تذکره‌الخطاطین*، نام حسین خان پدر حسن خان را امیرحسین خان ذکر کرده است (سنگلاخ، ۱۳۹۱: ذیل حسن خان شاملو) که این نام در هیچ جای تذکره‌ها و متون تاریخی و... نیامده است. باتوجه به نقص‌ها و کاستی‌های دیگر این تذکره، می‌توان دریافت که این نام، ساختگی است.

حسین خان، فرزند عبدی بیک شاملو است و برادر پدری دورمیش خان و از طرف مادر نوه شاه اسماعیل است (ر.ک: بیگدلی، ۱۳۶۷: ۴۱۵). هرات در سال ۹۱۶ قمری فتح شد و حسین خان بیگدلی شاملو، پدرحسن خان شاملو، نخستین حاکم هرات و بیگلربیگی خراسان شد (همان). ذبیح‌الله صفا نوشته است: «حسن خان قورچی (سلاح‌دار) شمشیر شاملو... در اوایل عهد شاه عباس چند سالی حاکم قم و سپس والی لرستان بود تا به سال ۱۰۰۷ که فرهادخان حاکم هرات به علت بدگمانی شاه به فرمان او کشته شد، حکومت دارالسلطنه هرات و امیرالامرای کل خراسان بر او قرار گرفت... تا در سال ۱۰۲۷ پس از بیست سال حکومت و مقام بیگلربیگی و امیرالامرای خراسان درگذشت» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۵: ۱۱۱۱)؛ بنابراین سخن بیگدلی - سال حکومت حسین خان را ۹۱۶ دانسته است - نادرست است.

۳-۲ پسران

گویا حسن خان دختر نداشته است یا اگر داشته صحبتی از آن به میان نیامده است؛ اما درباره تعداد و ترتیب پسران حسن خان سخنان مختلفی بیان شده است؛ برای مثال مایل هروی تعداد پسران حسن خان را سه تن می‌داند (مایل هروی، ۱۳۸۳: ۳۷۲). باتوجه به بررسی نگارنده و مقایسه احوال و تاریخ‌ها که بیان آنها به طولانی شدن کلام می‌انجامد، تعداد پسران حسن خان چهار تن و ترتیب و نام آنها به این گونه است: عباس‌قلی خان، حسین‌قلی خان، مرتضی‌قلی خان و علی‌قلی خان.

۲-۴ اقدامات تاریخی

از جزئیات زندگی حسن خان تا هنگام جانشینی پدر به جز برخی گزارش‌های پراکنده آگاهی بیشتری در دست نیست. در *خلاصه‌الاشعار* آمده است که «در شهور سنه خمس و تسعین و تسعمائه [۹۹۵]... حسن خان در دارالمؤمنین کاشان به واسطه دفع نزاع و جدال اویماق شاملو و ترکمان نزول اقبال فرمود...» (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۷). از حوادث

روزگار حکومت او در خراسان، فرونشاندن سرکشان قبچاق در سال ۱۰۳۹ قمری و یاری رساندن در دفع فتنه اوزبکیه در سال ۱۰۴۲ قمری است که قصد تسخیر قلعه ماروچاق را داشتند (اسکندریک، ۱۳۱۷: ۲۶۶). ناظم هروی در قسمت‌های مختلف دیوان خود، حسن خان را برای شکست چندباره اوزبکان ستوده است. ابیاتی در وصف جنگ حسن خان با اوزبکان و تسخیر قلعه و حصار فورماج در سال ۱۰۴۷ قمری در ادامه بیان می‌شود:

مدد خواست از شاه خیرگشا	به یک جمله بگرفت آن قلعه را
به تاریخ این فتح نیکو اثر	چو در جیب دل برد اندیشه سر
خرد گفت از روی شوق و شعف	کلید در بلخ آمد به کف [=۱۰۴۷]
چو فتح حصار فورماج شد	دلش فارغ از قتل و تاراج شد
قیامت مصافان مشتاق جنگ	به خونریز اوزبک گشودند جنگ
ازین فتح اگر خان کشورگشا	به عالم کند فخر باشد روا

(هروی، ۱۳۷۴: مقدمه)

هرات در زمان حسن خان رونق و آبادانی بسیاری یافته بود. کشور از نظر مسایل سیاسی به ویژه سیاست خارجی در سطح بالایی بود. زمانی که روابط اصفهان و دهلی بعد از اشغال قندهار (۱۰۴۷ ق) به پایین ترین سطح رسیده بود، حسن خان توانست با جمعی از بزرگان مغولان هند طرح دوستی بریزد (ر.ک: ریاض الاسلام، ۱۹۷۱م: ۱۷پ)؛ (سجادی، ۱۳۹۱: ۶۰۹).

۲-۵ اقدامات فرهنگی

حسن خان به مسائل فرهنگی و هنری به ویژه ادبی بسیار علاقه و ارادت داشت؛ پیوسته شاگردان و علاقه‌مندان را برای فعالیت در این حوزه‌ها پرورش می‌داد و آثار گرانمایه‌ای از او یا به سفارش او به جا مانده است؛ «شهر باستانی هرات در عصر او بار دیگر به مرکز فرهنگ و هنر تبدیل شد» (ر.ک: ریاض الاسلام، ۱۹۷۱م: ۱۷پ). هرات در عصر صفویان جایگاه ولیعهد بود. کارگاه نقاشی هرات تا اوایل قرن ۱۷ میلادی رونق داشت. خاندان شاملو از جمله حسن خان شاملو حامیان نقاشان و خوش‌نویسان و شاعران بودند. به سفارش این حاکم نسخه‌های خطی متعددی فراهم شد؛ از آن جمله شاهنامه‌ای است که در کتابخانه قصر گلستان نگهداری می‌شود؛ نسخه دیگری از این کتاب در مجموعه دوگلاس نیویورک موجود است. از آثار باقی مانده کتابخانه هرات، باید از دست‌نوشته دیگری یاد کرد که شامل «حمسه نظامی به خط شاه قاسم کاتب است؛ شاه قاسم کاتب آن را در هرات برای حسن خان کتابت کرده است» (ر.ک: مولوی نژاد، ۱۳۸۲: ۶۷۲). «هم‌چنین او سفینه‌ای از نظم و نثر جمع کرد و بر آن دیباچه‌ای نگاشت تا بخشی از آثار منظوم و منثور جامی را در میان اهالی عصر جاری کند. این دیباچه به اعتبار شناخت تحول فرهنگ و ادب فارسی در سده دهم اهمیت فراوان دارد»^۱ (مایل هروی، ۱۳۸۳: ۳۷۱). نمونه دیگر، کتاب *میخانه* یا *خرابات* از حسن بن لطف‌الله طهرانی رازی در سال ۱۰۴۰ قمری است؛ مؤلف خود می‌گوید این تذکره را به خواهش مربی خود حسن بیگ شاملو بیگلریگی خراسان نگاشته است که بسیار به شعر توجه داشت و دیوان‌های کمیاب را جمع‌آوری می‌کرد.

برخی از اشعار ناظم هروی در طاق‌های حوض‌های داخل شهر هرات نگاشته شده است؛ مانند این قطعه:

به یاد زلالش که صاف بقاست	ز آب روان دست شوید بدن
شود زنده تصویر شیرین اگر	خورد آب ازو تیشه کوهکن

هوس داشت ناظم که تاریخ او کند نقش در پیش طاق سخن
 خردمندی از روی تحقیق گفت یکی از بناهای خیر حسن
 (هروی، ۱۳۷۴: مقدمه)

چنان‌که پیداست این حوض از آثار خیر حسن خان شاملو بوده است. از مصراع آخر سال ۱۰۴۵ قمری برمی‌آید (همان)؛ دیگر آنکه، حسن خان بر لوح مزار شریف خواجه عبدالله انصاری در هرات به خط نستعلیق بسیار عالی این دو بیت را نوشته است با رقم «الراقمه حسن بن حسین شاملو، هزار و چهل و نه»؛ آن دو بیت این است:

دهد تا ساقی عرفان دلت را جام هشیاری درآ در یزمگاه خواجه عبدالله انصاری
 بود لوح مزارش نازنین سروی که از شوخی ملایک را چو قمری کرده گرم ناله و زاری
 (ر.ک: حبیبی، ۱۳۵۵: ۳۸۳)

این دو بیت بر سنگ مرمر سفید آرامگاه نوشته شده است و از آثار هنری افغانستان است. در مجله آریانا (شماره ۵ - ۶ سال ۴۶) و کتاب برگ بی‌برگی مایل هروی نقل شده است که ناظم [هروی] نظم یوسف و زلیخا را به اشاره حسن خان، شیرازه بسته است. باید گفت ابیاتی که از پایان منظومه در پایان این مقاله آمده است به روشنی نشان می‌دهد که شاعر از سال ۱۰۵۸ هجری، هشت سال بعد از درگذشت حسن خان، به نظم کردن داستان پرداخته است (ر.ک: هروی، ۱۳۷۴: مقدمه).

۶-۲ معاصران و مداحان حسن خان

مجالس حسن خان همواره جایگاه دانشمندان و ارباب کمال بوده است؛ در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود: الف) نصرآبادی معاصر حسن خان شاملو بوده است؛ «و هو الحسن خان بن حسین خان،... معاصره النصرآبادی...» (تهرانی، ۱۴۰۳م: ۲۴۳).

ب) از مداحان حسن خان، قدسی مشهدی است؛ قدسی در قصیده‌ای این‌گونه حسن خان را می‌ستاید:

«یک صبحدم کشید به زلفت شمال دست صدبار شست از عرق انفعال دست
 یعقوب همچومهره بدان جیب دوخت چشم یوسف برید از شعف آن جمال دست
 سائل نوازی تو چنان عام شد که بحر از موج راست کرده ز بهر نوال دست
 ...صحرا اگر ز گلشن طبع تو بو برد چینه گل شکفته ز شاخ غزال دست»
 (قدسی، ۱۳۷۵: ۲۲۵)

ج) درکی قمی نیز در ساقی‌نامه، ترجیع‌بندی به تعریف و ستایش حسن خان می‌پردازد:

چون خلق که از بعد پیمبر به علی ماند میراث شجاعت زحسین است حسن را
 خط نیست که مشک تر پیچیده به نافه است نتوان به خطا برد برش نام ختن را»
 (ر.ک: گلچین معانی، ۱۳۶۷: ۴۱۱)

د) ناظم هروی شاعر پرآوازه آن دوران از مداحان مشهور حسن خان شاملو بوده است. ناظم در سراسر دیوانش به مدح و ستایش حسن خان می‌پردازد. از اشعار ناظم، حقیقت باطن و بزرگی و شکوه حسن خان آشکار می‌شود؛ جنبه‌های پنهان زندگی و دانشمندی حسن خان در اشعار ناظم بازتاب یافته است؛ می‌توان گفت اشعار ناظم در مدح حسن خان، بیانگر برتری جایگاه فرهنگی و تاریخی و ادبی و هنری حسن خان است. از جمله این اشعار عبارت است از:

«چو ناظم پیش خیل مستعدان می توانم شد
چه استعداد ازین بهتر که همطرح حسن خانم»
(هروی، ۱۳۴۷: ۳۳۹)

«شرم وصف تو به حدی است که در سینه وحی
حرف در حرف و سخن در سخن افروخته‌اند»
(همان: ۱۹۳)

«مرتب‌ه حسن تو دم‌به‌دم افزون‌ترست
بزم کرم را چراغ صاف خرد را ایاغ
چون اثر دولت خان خراسان مدار
کان ادب را گهر نقد نسب را عیار»
(همان: ۵۱۴)

ه) دیدار با محتشم

گفته شده است حسن خان در اواخر عمر محتشم برای کاری به کاشان می‌رود و با وی ملاقات می‌کند (ر.ک: کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۸). در دیوان محتشم، قصیده‌ای در مدح و وصف بزرگی حسن خان است که شاید در ارتباط با همین دیدار باشد. برخی از ابیات آن قصیده این است:

«آیت اقبال شد رایت سلطان حسن
آن که نسیم از درش گر گذرد بر قبور
حمد خداوند را اذهب عنا الحزن
مرده صدساله را روح درآید به تن
ذات نکو طیتش زینت صد بارگاه
وضع گران ربتش زیور صد انجمن
رایت خورشید را تا بود این ارتفاع
آیت اقبال باد رایت سلطان حسن»
(محتشم، ۱۳۸۷: ۳۳۳)

۲-۷ خط و خطاطی حسن خان

حسن خان در خط نسخ تعلیق (نستعلیق) دستی توانا داشت و به نیک‌خطی مشهور زمان خود بود. روشن نیست که حسن خان، خوشنویسی را نزد چه کسی آموخت؛ اما او را پیرو شیوه میرعماد می‌دانند. آثار تاریخ‌دار وی دو دهه پایان زندگی وی را نشان می‌دهد. ناظم درباره خط حسن خان می‌گوید:

«روزی که سواد جسم و جان شد روشن
آرایش صفحه تولای علی
سر شد قلم زبان به تحریر سخن
دادند به نظم ناظم و خط حسن»
(هروی، ۱۳۷۴: ۵۹۹)

ناظم در ستایش قطعه‌ای که حسن خان به او داده می‌گوید:

«دادی به قطعه‌ای رقم عزتم که دل
این قطعه را چو دید به دستم بدین صفا
از شوق دیدنش چه نگه بیقرار شد
گلبرگ بار خاطر باد بهار شد
منشور اعتبار من خاکسار شد»
(همان: ۵۷۰)

درکی قمی در وصف خط حسن خان می‌گوید:

«تا وصف خط غنچه نهان گفت چمن را
خط نیست که مشک تر پیچیده به ناهه است
با شبنم گل شست به صد آب دهن را
نتوان به خطا برد برش نام ختن را»
(گلچین معانی، ۱۳۶۷: ۴۱۲)

قدسی مشهدی نیز می‌گوید:

«کلک حبش‌نژاد تو گلبانگ می‌دهد خورشید خاطر شده از فیض حق ترا»

(قدسی، ۱۳۷۵: ۲۲۵)

۸-۲ آثار

الف) آثار خوش‌نویسی حسن خان

تاکنون به‌طور کامل و دقیق آثار خطی حسن خان معرفی و جمع‌آوری نشده است و به‌طور پراکنده در متون از آنها یاد شده است. با کاوش و بررسی در منابع نویافته، تعداد ۲۳ اثر خطی یافت شد که به چند نمونه اشاره می‌شود (بقیه آثار خطی همراه با تصویر آنها در مقدمه دیوان خواهد آمد):

- «قطعه رباعی به خط نسخ تعلیق به قلم جلی نوشته در مشهدالرضا بر دیوار دارالسیاره» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۳۱)؛
- «نستعلیق جلی حسن شاملو (۱۰۴۹ق)، بر مزار خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات» (حبیبی، ۱۳۵۵: ۳۸۳)؛
- «قطعه نستعلیق مذهب رقم حسن شاملو مورخ ۱۰۴۸ق، اندازه ۱۹/۲×۱/۸، با حاشیه» (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)؛
- «قطعه خط نستعلیق، رقم حسن شاملو، سده ۱۱ق، از مجموعه دکتر حسام‌الدین خرمی» (سجادی، ۱۳۹۱: ۹۱)؛
- «چند قطعه در کتابخانه مشهد» (حبیبی، ۱۳۵۵: ۱۰۴۵)؛
- «کتابخانه ملی پاریس، قطعه خط حسن خان، بدون تاریخ» (بیانی، ۱۳۶۳: ۱۴۴)؛
- «قطعه چلیپا، نگارش شده در هرات [بدون تاریخ] مجموعه خصوصی، لندن» (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۵۹)؛
- «مرقعی که در کتابخانه بودلیان انگلستان به قلم جلی نگارش خوش با رقم (در بلده هرات سمت تحریر یافت. مشقه حسن شاملو)» (بیانی، ۱۳۶۳: ۱۴۴)؛
- «سیاه مشق، فقیر محروق شاملو، از مجموعه پروفیسور بیگدلی» (بیگدلی، ۱۳۹۰: ۴۱۱)؛
- «قطعه‌ای... از نوادر آثار حسن خان شاملو... خطاط بزرگ عهد صفوی» (قدسی، ۱۳۷۵: ۴۲).

آثار خوش‌نویسی حسن خان افزون‌بر استواری خط، ترکیب‌بندی‌های ساده و روشن، هیچ‌گونه پیچیدگی‌های اضافی ندارد (سجادی، ۱۳۹۱: ۶۰۹). گفتنی است سنگلاخ در تذکره‌الخطاطین آثار خطی‌ای را معرفی می‌کند و می‌گوید حسن خان این آثار را به دستور شاه سلیمان صفوی مشق کرده است که البته نادرست است؛ زیرا حسن خان در زمان این شاه زنده نبوده است.

ب) منشآت حسن خان

نامه‌ها و مکاتبات حسن خان در مجموعه‌ای به نام منشآت حسن خان شاملو، در سال ۱۹۷۱ میلادی به اهتمام استاد ریاض الاسلام، با مقدمه انگلیسی در کراچی، مؤسسه مطالعات آسیای غربی و مرکزی، دانشگاه کامپیوس به چاپ عکسی افست منتشر شد. کتاب دو قسمت دارد؛ متن منشآت که افست نسخه خطی است و شامل ۴۶ برگ (۹۲ صفحه)، پیش‌گفتار و مقدمه گسترده ریاض الاسلام به انگلیسی (۱ - ۳۹ پ) است. این کتاب دربردارنده دیباچه، سی نامه، پنج (یا چهار؟) قطعه نثر زیبا و قطعه شعری در ۵۱ بیت است. مخاطب برخی نامه‌ها معلوم نیست؛ اما برخی دیگر به این افراد نوشته شده است: آصف‌خان، اسکندربیک منشی، فصیحی، منوچهرخان و... به گمان ریاض الاسلام کتاب در حدود سال‌های ۱۰۳۹ تا ۱۰۶۰ هجری کامل شده است (۱۱ - ۱۲ پ) در مقدمه دیوان، نمونه‌های انشای حسن خان آورده شده است.

ج) دیوان شعر

۹-۲ شعر و شاعری، نسخه‌های دیوان

حسن خان در شاعری نیز مانند خوش‌نویسی و مملکت‌داری، مهارت و توانایی داشت. او در مقایسه با شاعران هم‌عصر خود، شعر کمتر گفته است؛ اما با تأمل و دقت در همین ابیات، توانایی و سرشت استادی وی آشکار می‌شود. خمیرمایه اصلی شعر حسن خان شاملو به مانند سرایندگان سبک هندی، اصطلاحات و زبان کوچه و بازار، تصویرسازی «ایماژ»، خیال‌پردازی، مضمون‌یابی به ویژه مضامین نو و بدیع تشکیل می‌دهد. غزلیات حسن خان شاملو گنجینه‌ای است سرشار از مضامین و بن‌مایه‌های غنایی است. فضای کلی غزل وی عشق و عاشقی و نیز مضامینی چون عرفان، اندرز، طعنه، شکوه، اشارات و مفاخره است. خاصیت این غزل‌های بی‌شمار، یکنواختی عمومی آنها در بیان حالت‌های عشق و وصال و فراق و امید و حرمان و شوق و یأس و این‌گونه عواطف گوناگون است که طبعاً در شعر غنایی بدان‌ها باز می‌خوریم. اشعار به‌جامانده از حسن خان، بیشتر غزل و رباعی است. به نظر می‌رسد حسن خان بیشتر از روی سرگرمی و ذوقی سخنوری می‌کرده است. صحبت درباره شعر و شاعری حسن خان و بررسی درون‌مایه و سبک شعر وی، جای بحث دارد که ان‌شالله در گفتاری دیگر به آن پرداخته خواهد شد. در نتایج‌الافکار آمده است: «[حسن خان] ناظم خوش‌کلام و پخته‌گو... در نظم‌پردازی فکر بلند و طبع رسا داشت» (گوپاموی، ۱۳۳۶: ۱۹۰). ناظم درباره شعر و شاعری حسن خان می‌گوید:

«در عنان قلمت سلسله آب حیات در رکاب سخت قافله ذهن و ذکا»
(همان: ۵۲۰)

قدسی مشهدی نیز می‌گوید:

«صحرا اگر ز گلشن طبع تو بو برد چینه گل شکفته ز شاخ غزال دست»
(قدسی، ۱۳۷۵: ۲۲۵)

الف) تخلص شعری

در همه تذکرها تخلص حسن خان، حسن آمده است. حبیبی، تخلص حسن خان را آفتاب نوشته است (حبیبی، ۱۳۵۵: ۱۴۰). در مقدمه منشآت حسن خان آمده است: «شاید تخلص آفتاب به خاطر این بیت باشد:

بر دست رهروان دیار سخن عصاست ای آفتاب مطلع دانش که فکرت
(ریاض‌الاسلام، ۱۹۷۱م: ۴)

این گفته‌ها نادرست به نظر می‌رسد؛ زیرا در هیچ جای دیگر از تذکرها نامی از تخلص آفتاب نیامده است و همگی بر تخلص حسن برای حسن خان اتفاق نظر دارند؛ هم‌چنین با مطالعه اشعار حسن خان می‌توان دریافت که واژه آفتاب در اشعار وی کاربرد بسیاری دارد:

«نیست باک از فتنه زهاد بدگوهر مرا آفتاب ساغر می کرده نیک اختر مرا»
(شاملو، ۱۰۵۶ق: ۵)
«چو بردارد از چهره آن گل نقاب زخم خاک بر دیده آفتاب»
(همان: ۶)

«بزم مستان سپهرآمال است جام می آفتاب اقبال است»
(همان: ۱۱)

(ب) اشعار ناب

برخی از اشعار حسن خان در دیوان او نیست. این اشعار پراکنده و ناب از متون قدیم و نویافته و نسخه‌های مختلف جمع‌آوری شده است و به دیوان شاعر اضافه خواهد شد. در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:
- از ریاض‌العارفین:

«گیرم ز خلق روی به هامون نکنی از دست خود کجا رود و چون کند کسی»
(هدایت، ۱۳۸۵: ۱۲۰)

- از مخزن‌الغرائب:

«سرمه‌ای [را] که بود منت‌گیری همراه کور باد آنکه بران سرمه کند چشم سیاه»
(سندیلوی، ۱۹۶۸م: ۴۸۱)

- از تذکره محمدشاهی:

«اندکی پیش تو گفتم غم دل ترسیدم که دل‌آزرده شوی ورنه سخن بسیار است»
(قاجار، ۱۳۹۳: ۸۳)

- در نسخه‌ای با نام بیاض اشعار و طلسمات تألیف محمد بن محمد مهدی، با شماره ۱۸۰۵۱-۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، قطعه‌ای از حسن خان شاملو آمده است:

«عارض نوگشته زهی لاله‌زار
از من بیچاره مکن ای پری
شیشه دل گشته ز سنگ جفا
دل به غلامی سگت می‌دهم
گشته حسن از غم تو در جهان
احمرر یحمرر احمـرار
انفرر ینفرر انفرر
انکسر ینکسر انکسار
افتخر یفتخر افتخار
اشـتهر یشـتهر اشـتهار»

- یک رباعی در نسخه‌ای با نام مجموعه رباعیات با شماره ثبت ۸۱۵۰۳۹، صفحه ۹۹ کتابخانه ملی ایران آمده است:

«ای دل بر دوست تحفه [جز] جان نبری
بی‌درد ز درد دوست نالان نشوی
دردت چو دهند نام درمان نبری
خاموش که عرض دردمندان نبری»

- دو رباعی از حسن خان در پایان‌نامه آقای محمد صالح رضوی با عنوان تصحیح مجموعه رباعیات آمده است که تازگی دارد:

«ای نام خوشت تازه بهار سخنم
با خاک در تو آشنا خواهم شد
یاد گل رویت آبروی چمنم
من بنده طالع سگ خویشتم»
(رضوی، ۱۳۸۹: ۲۸۴)

«آن سرمه کزان دیده تجلی خواه است
در حشر به جز جیب ندامت ندرد
خاک قدم علی ولی اله است
دستی که ز دامن علی کوتاه است»
(همان: ۱۵۴)

ج) تحلیل و مقابله اشعار موجود در تذکرها

در این بخش، به طور فشرده و کوتاه برخی از اشعار موجود در تذکرها و مجموعه‌ها بررسی می‌شود و سپس با یکدیگر و با نسخه دیوان حسن خان مقابله می‌گردد.
- تذکره نصرآبادی:

«پاس خاطر چند دارم یک جهان بیگانه را آشنایی با خودم در خلوت اسرار ده»

(شاملو، ۱۰۵۴ق: ۳)

به جای «اسرار»، «دیدار» آمده است (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۳۰).

«ای که پنداری خموشم در وداع دوستان گر زبان شرم دانی هر نگاهم ناله‌ایست»

(شاملو، ۱۰۵۴ق: ۷)

به جای «داری»، «دانی» آمده است (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۳۰).

همین بیت در نسخه‌ای با نام فارسی لغات فرانسوی و اشعاری به خط ناصرالدین شاه قاجار، با شماره ۲۹۵/۷۲۷۵ در کتابخانه ملی ایران، به خط ناصرالدین شاه به این صورت آمده است:

اینکه می‌بینی خموشم در وداع دوستان گر زبان حال دانی هر نگاهم ناله‌ایست

- در تذکره نصرآبادی رباعی مشهوری است که در دیوان حسن خان موجود نیست و حسن خان آن را برای امام رضا^(ع) سروده است:

«دارم چو حسن سری به درگاه رضا بیرون نروم یک قدم از راه رضا

خواهی که سرت به عرش توفیق رسد بگذار بر آستانه شاه رضا»

(همان: ۳۱)

همین رباعی در سفینه خوشگو به این صورت آمده است:

«دارم چو حسن سری به درگاه رضا بیرون نروم دری من از راه رضا»

(خوشگو، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

- تذکره مخزن الغرائب:

«توان ز سیر گل و گشت لاله‌زار گذشت نمی‌توان ز تماشای روی یار گذشت»

(شاملو، ۱۰۵۴ق: ۸)

بیت بالا در تذکره به این صورت آمده است:

«توان ز کشت گل و کشت لاله‌زار گذشت نمی‌توان ز تماشای روزگار گذشت»

(سندیلوی، ۱۹۶۸م: ۴۸۱)

- ریاض الشعرا:

مصراع «توان ز سیر گل و گشت لاله‌زار گذشت» در ریاض الشعرا برخلاف سفینه خوشگو و روز روشن به این صورت آمده است: «توان ز کشت گل و کشت لاله‌زار گذشت» (واله داغستانی، ۱۳۸۳: ۶۲۵).

«تا گشایم مژه‌ای هر طرفم جیحون است حاصل خرمن اشک از رخ گندم‌گون است»

(شاملو، ۱۰۵۴ق: ۷)

بیت بالا در ریاض‌الشعر/ به این صورت آمده است:

«تا گشایم مژه از هر طرفم جیحون است
حاصل خرمن اشکم رخ گندم‌گون است»
(واله داغستانی، ۱۳۸۳: ۶۲۵)

- تذکره محمدشاهی:

«به روی لاله و گل خواستم که می نوشم
ز شیشه تا به قدح ریختم بهار گذشت»
(شاملو، ۱۰۵۴: ۸)

مصراع اول در تذکره محمدشاهی به صورت «به روی گلی خواستم که می نوشم...» (قاجار، ۱۳۹۳: ۸۳) آورده شده است.

(د) نسخه های دیوان شعر حسن خان

در مقاله احمد گلچین معانی، چند نسخه از دیوان حسن خان معرفی شده است که نکاتی در کامل کردن و تحلیل آن نسخه‌ها بیان می‌شود:

(۱) نسخه مجلس موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ این نسخه با شماره ۴۳۶ و شماره ثبت ۲۹۱۰، نسخه اساس برای تصحیح دیوان حسن خان با دیباچه‌ای به نثر، نگارش شده در ۱۰۵۶ هجری به دست میرعبدالله قصه‌خوان کاتب است (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۰۷).

(۲) نسخه کتابخانه ملی پاریس (۲۰۶۱:supp)؛ از کلام تذکره‌نویسان چنین برمی‌آید که آن سه هزار بیت که نصرآبادی از آن یاد می‌کند، همین نسخه باشد. البته ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات درباره این نسخه می‌نویسد: «...نصرآبادی شماره بیت‌های آن [دیوان حسن خان] را تا سه هزار گفته؛ ولی نسخه‌ای که در فرانسه دیدم کوچک‌تر از آن ... است» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۵: ۱۱۱۳).

(۳) نسخه بیات، موجود در کتابخانه شادروان عبدالحسین بیات [اراک]، مورخ ۱۰۶۷، با شماره ۱۴۱۷۹، قرن ۱۳؛ گفتنی است که در بیشتر فهرست‌های نسخ و پایگاه‌های اینترنتی، از این نسخه بسیار نام برده شده است. امروزه کتابخانه مستقلی به نام عبدالحسین بیات وجود ندارد. برپایه جستجوی نگارنده، بخشی از نسخه‌ها و متون این کتابخانه به کتابخانه مجلس، بخشی به کتابخانه مرعشی نجفی، بخشی به کتابخانه انجمن آثار ملی و... هدیه شده است و تعدادی کمی از آن نیز در انبار مدرسه صمصامیه اراک نگهداری می‌شود. این نسخه یکی از نسخه‌بدل‌ها برای تصحیح دیوان حسن خان است و از کتابخانه مجلس تهیه شده است. توضیح دیگر اینکه، نسخه‌ای با شماره ۲۶، در فهرست کتابخانه صدوقی یزدی با نام دیوان حسن خان شاملو ذکر شده که آن نیز به کتابخانه سریزدی منتقل شده است و همین نسخه بیات است.

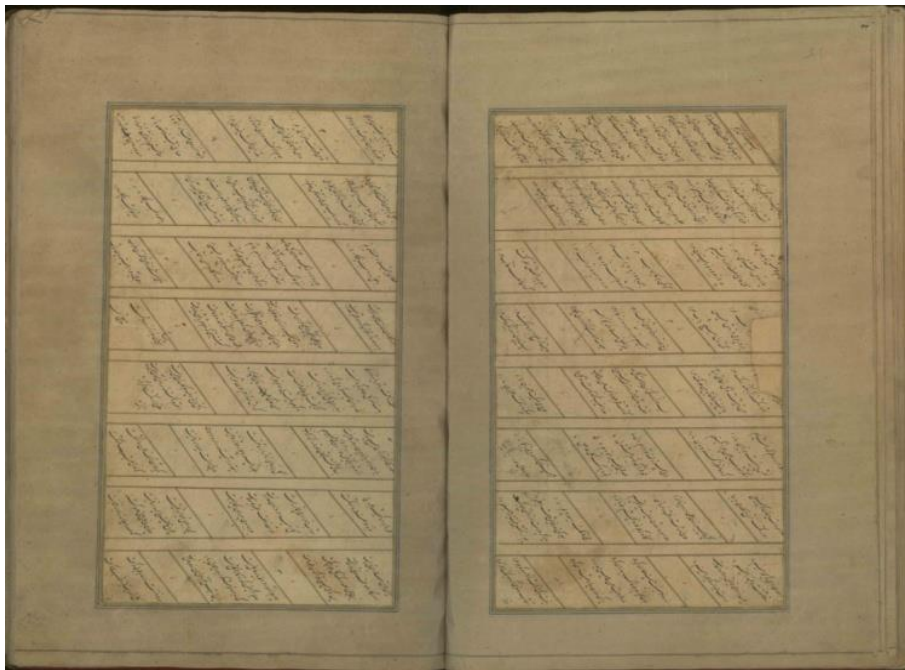
(۴) نسخه کتابخانه مولوی محمد شفیع لاهوری (ریاض‌الاسلام، ۱۹۷۱م: مقدمه)؛ ریاض‌الاسلام در توضیح سخن نصرآبادی که دیوان حسن خان را سه هزار بیت دانسته، این نسخه را معرفی کرده است (همان: ۱۶)؛ شاید آن سه هزار بیت ذکر شده در تذکره‌ها، این نسخه کتابخانه لاهور باشد.

(۵) نسخه شماره ۳۳۲۰؛ مجموعه‌ای در کتابخانه مجلس است. در بخش ۴۴، صفحات ۵۳۳ تا ۵۳۴ غزل آغازین دیوان را به خط خوش نستعلیق آورده است.

(۶) نسخه شماره ۳۳۶ کتابخانه مجلس؛ کاتب محمدمقیم بارفروشدی، بی‌تا، ۱۳ صفحه، انتخاب دیوان؛ گفتنی است در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) نسخه‌ای با همین مشخصات، با شماره ۲۹۱/۵۰ معرفی شده است که البته نگارنده با جستجوی این شماره‌ها، نسخه‌ای از حسن خان نیافت.



برگ اول نسخه مجلس (نسخه اساس)، دیباچه



برگ اول نسخه بیات (نسخه بدل)

۳- نتیجه گیری

الف) همان طور که گفته شد، حسن خان شاملو برآمده از خاندانی عظیم و نژاده به نام بیگدلی و از شاملوهای ایران است. این خاندان، طایفه ای بلندمرتبه در علم و فرهنگ و هنرند؛ از آذر بیگدلی تا احمد شاملو نتیجه این خاندان بزرگ هستند.

حسن خان از نظر وراثت و همنشینی با بزرگان و استادان این طایفه، از جایگاه والایی برخوردار است. (ب) جایگاه بلند سیاسی و دولتی حسن خان شاملو، از حاکمیت هرات و بیگلربیگی خراسان وی آشکار می‌شود. اقدامات تاریخی انجام‌شده در زمان حکومت او در متون مختلف از جمله *خلد برین، احیاءالملوک* و... بیان شده است؛ اینها افزون بر آنکه نشانگر شخصیت بالا و مهم حسن خان است؛ این شخصیت مهم را درخور پژوهش تاریخی می‌کند. (ج) افزون بر شخصیت دولتی و سیاسی، حسن خان شخصیتی فرهنگی - هنری و ادبی دارد که توجه نگارنده را به خود جلب کرد. با بررسی و تحلیل منابع قدیم و جدید، تذکره‌های خوش‌نویسی و شعری، گفته‌های نویسندگان و شاعران درباره حسن خان، فعالیت وی در زمینه‌های مختلف هنری، گردآوردن هنرمندان و شاعران در مجالس خود که نشان‌دهنده علاقه و میل او به هنر و فرهنگ و ادب است، آثار به‌جا مانده از وی، همگی نشان‌دهنده شخصیت و جایگاه برتر فرهنگی و ادبی حسن خان است.

به نظر می‌رسد پژوهش درباره حسن خان به یک یا چند جستار و بحث محدود نمی‌شود. نگارنده در پژوهش و مطالعه آثار و متون مختلف درباره حسن خان، به نکات بسیاری دست یافت که امکان بیان همه آنها در این مقاله وجود ندارد. در جای‌جای تذکره‌ها و متون نام حسن خان دیده می‌شود و این نشان‌دهنده نام نیک و جایگاه عالی اوست. نگارنده با یاری خداوند بزرگ، در پی آن است که در آینده‌ای نزدیک *دیوان حسن خان* را همراه با مقدمه‌ای گسترده و جامع به چاپ رساند؛ شاید این‌گونه بتواند به حفظ آثار فرهنگی این مرز و بوم خدمتی کوچک کند و بستری برای پژوهش‌های تازه دانشجویان و علاقه‌مندان پژوهش فراهم کند.

پی‌نوشت

۱. برای مشاهده متن دیباچه به مقاله گلچین معانی رجوع کنید.

منابع

- ۱- اسکندربیک، منشی (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ۲- ----- (۱۳۱۷). *ذیل عالم‌آرای عباسی*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ۳- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- ۴- بیانی، مهدی (۱۳۶۳). *احوال و آثار خوش‌نویسان*، تهران: انتشارات علمی.
- ۵- بیگدلی، غلامحسین (۱۳۶۷). *تاریخ بیگدلی*، تهران: بوعلی.
- ۶- بیگدلی، لطفعلی بیک آذر (۱۳۷۷). *تذکره آتشکده*، تهران: روزنه.
- ۷- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
- ۸- حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۵). *هنر عهد تیموریان*، کابل: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۹- خوشگو، بندر ابن داس (۱۳۸۹). *سینه خوشگو*، تصحیح کلیم اصغر، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورا.
- ۱۰- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: کتابخانه اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۱- ذاکرالحسینی، محسن (۱۳۸۵). «دیوان فصیحی هروی»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۲۹، ۱۰۱ - ۱۰۴.
- ۱۲- رضوی، محمدصالح (۱۳۸۹). *تصحیح مجموعه رباعیات (پایان‌نامه)*، نجف‌آباد: دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد.

- ۱۳- سجادی، صادق (۱۳۹۱). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۴- سندیلوی، شیخ احمد علی خان (۱۹۶۸م). *تذکره مخزن الغرائب*، به اهتمام محمد باقر، لاهور: دانشگاه پنجاب.
- ۱۵- سنگلاخ، میرزا (۱۳۸۸). *تذکره الخطاطین*، به اهتمام مهدی قربانی، مشهد: قاف مشهدالرضا(ع).
- ۱۶- شاملو، حسن خان (۱۰۵۶ ق). *دیوان حسن خان شاملو* (نسخه خطی)، ۴۳۶ مجلس، میرعبدالله قصه‌خوان.
- ۱۷- ----- (۱۹۷۱ م). *منشآت حسن خان شاملو*، به اهتمام ریاض الاسلام، کراچی: دانشگاه کامپوس.
- ۱۸- صبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*، تصحیح محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
- ۱۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۵، تهران: فردوس.
- ۲۰- عباسی، رضا (۱۳۹۰)، *منتخب آثار چلیپا در نمایشگاه موزه رضا عباسی*، تهران: سبحان نور.
- ۲۱- فکری سلجوقی، عبدالرؤف (۱۳۴۷). «تعلیقات دیباچه دوست محمد هروی»، *آریانا*، شماره ۲۷۷، ۹۷ - ۱۰۰.
- ۲۲- قاجار، بهمن میرزا (۱۳۹۲). *تذکره محمدشاهی*، تصحیح حسین محمدزاده صدیق و فاطمه بهرامی، تهران: تک‌درخت.
- ۲۳- قدسی مشهدی، محمدجان (۱۳۵۷). *دیوان حاجی محمدجان قدسی مشهدی*، تصحیح محمد قهرمان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۴- کاشانی، محتشم (۱۳۸۷). *دیوان محتشم کاشانی*، تصحیح اکبر بهداروند، تهران: نگاه.
- ۲۵- کاشانی، میر تقی‌الدین (۱۳۸۴). *خلاصه الاشعار و زبده الافکار*، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.
- ۲۶- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹). «حسن خان شاملو»، *آینده*، سال شانزدهم، شماره ۵ تا ۸، ۴۰۱ - ۴۱۴.
- ۲۷- گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۳۶). *تذکره نتایج الافکار*، به همت اردشیر خاضع، بمبئی: چاپخانه سلطانی بمبئی.
- ۲۸- مایل هروی، رضا (۱۳۴۶). «میرزایان برناباد»، *آریانا*، شماره ۲۷۴، ۹۷ - ۱۰۴.
- ۲۹- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۳). «نسخه برگردان جنگ شاملو»، *نامه بهارستان*، شماره ۹ و ۱۰، ۳۷۱ - ۳۷۴.
- ۳۰- مولوی نژاد، صالح (۱۳۸۲). «ایران‌شناسی در غرب»، *ایران‌شناسی*، شماره ۵۹، ۶۲۲ - ۶۳۵.
- ۳۱- نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸). *تذکره نصرآبادی*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۳۲- واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی (۱۳۸۳). *ریاض الشعراء*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۳۳- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۵). *تذکره ریاض العارفین*، تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۴- هروی، ناظم (۱۳۷۴). *دیوان ناظم هروی*، تصحیح محمد قهرمان، مشهد: آستان قدس رضوی.